

Full Reduplication in Persian Language: A Corpus Based Study

Behrooz Mahmoudi Bakhtiari

PhD in General Linguistics;
Associate Professor; University of Tehran
Corresponding Author

mbakhtiari@ut.ac.ir

Zohreh Zolfaghar Kondori²

PhD Candidate in General Linguistics; Payam-e-Noor University
zohreh.zolfaghar@istta.ir

Iranian Journal of
**Information
Processing &
Management**

Iranian Research Institute
for Science and Technology

ISSN 2251-8223

eISSN 2251-8231

Indexed in SCOPUS, ISC & LISTA

Vol.31 | No.1 | pp: 147-161

Autumn 2015

Abstract: Reduplication is one of the productive morphological processes which have been studied inclusively in different languages and in the frame of different linguistic theories (Generative Grammar, Optimality Theory and Minimalist Program). Now with the emergence and growth of corpus linguistics and corpus based studies, morphological processes of this kind could be studied and conducted more accurately. Most of the morphological studies and morphologists have referred to reduplication process in their studies and it is considered as one of the universals of world's languages which represent different semantic or syntactic properties in most of the languages (Stolz 2008). Reduplication has been studied in two kinds: Full and partial reduplication (Shaghghi 1389; Haspelmath 2002; Bauer 2003). Full reduplication is to repeat a base known as reduplicated element. Full and partial reduplication is to add an element to the beginning or end of the one of the bases. In this paper we have studied the full reduplication in Persian so that we can get the dominant forms, meanings and the semantic properties of the reduplicated base. In order to achieve such results we needed to choose a perfect and acceptable corpus in the Persian language, so the authors chose Dekhoda Medium Persian Dictionary. First of all the entire corpus was searched for the full reduplicated forms and then all of these forms were recorded along with their meanings and parts of speech. On the whole 299 reduplicated forms were extracted and categorized according to their meaning, form and the semantic properties of the reduplicated element. After investigating the extracted words, interesting results were seen. The results show that except the sounds which are among the common forms of the reduplicated structures, the dominant form in these structures are adverbs and in terms of the meaning, the dominant meaning is paucity and most of the structures are formed out of meaningful elements. Another point is that even the meaningless elements have been used in forming full

reduplications and in some cases the produced meaning is irrelevant and new. The number of sounds is one third of the whole extracted forms, sounds which some of them are also meaningful. The results of this study could be helpful in teaching Persian language, building bilingual corpuses as well as facilitating Machine translation and lifting the problems on its way. A major use of the built corpus in this study, the corpus of full reduplications in Persian would be very useful in enhancing the current Persian net words.

Keywords: Full Reduplication; Dekhoda Medium Dictionary; Corpus Linguistics; Morphology; Meaning and Form

دوگان‌سازی کامل در زبان فارسی:

یک بررسی پیکره‌بنیاد

بهروز محمودی بختیاری

دکتری زبان‌شناسی همگانی؛

دانشیار؛ دانشگاه تهران | b_m_bakhtiari@yahoo.com

زهره ذوالفقار کندری

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی؛

دانشگاه پیام نور | zohreh.zolfaghar@istta.ir

مجله علمی پژوهشی
فصلنامه علمی پژوهشی

مقاله برای اصلاح به مدت ۳ روز نرد پدیدآوران بوده است.

پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۶

دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۴

پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات
فصلنامه علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا (چاپی) ۲۲۵۱-۸۲۲۳
شاپا (الکترونیکی) ۲۲۵۱-۸۲۳۱

نمایه در SCOPUS و ISC، LISTA

<http://jipm.irandoc.ac.ir>

دوره ۳۱ | شماره ۱ | صص ۱۴۷-۱۶۱

پاییز ۱۳۹۴

مقاله پژوهشی

چکیده: فرایند تکرار یکی از فرایندهای صرفی زبانیست که درباره آن در زبان‌های مختلف و در چارچوب نظریه‌های مختلف زبان‌شناختی (دستور زایشی، نظریه بهینگی و برنامه کمینگی) مطالعات جامعی صورت گرفته است. اکنون با رشد زبان‌شناسی پیکره‌ای و مطالعات پیکره‌بنیاد می‌توان پژوهش‌های صرفی از این دست را دقیق‌تر به سامان رساند. تکرار در دو نوع کامل و ناقص از سوی زبان‌شناسان (شقاقی ۱۳۸۹؛ Haspelmath 2002؛ Bauer 2003) بررسی شده است. تکرار کامل به معنای تکرار کامل یک پایه موسوم به جزء دوگانی است و تکرار ناقص به معنای افزودن جزئی به آغاز یا پایان یکی از پایه‌هاست. در این مقاله نوع کامل این فرایند زبانی صرفی را در زبان فارسی مورد بررسی قرار داده‌ایم تا به معانی و ساختارهای غالب حاصل از آن و ویژگی‌های معنایی جزء دوگانی دست یابیم. برای دستیابی به این ویژگی‌ها به کمک زبان‌شناسی پیکره‌ای به پیکره‌ای جامع و قابل قبول در زبان فارسی نیاز بود که برای پژوهش حاضر لغت‌نامه متوسط دهخدا انتخاب شد. نخست کلیه دوگانی‌های کامل موجود در فرهنگ متوسط دهخدا به همراه توضیحات مربوط به ساخت آنها و معانی‌شان استخراج شدند. تعداد دوگانی‌های استخراج شده ۲۹۹ مورد بود و آن‌گاه این داده‌ها بر اساس ساختار، معنا و ویژگی‌های جزء دوگانی دسته‌بندی شدند. پس از بررسی معانی و ساختارها نتایج جالبی به دست آمد. نتایج حاصل از بررسی و طبقه‌بندی داده‌ها نشان می‌دهند که به غیر از اصوات ساخت غالب در دوگان‌سازی‌ها قید است و به لحاظ معنا، معنای غالب معنای قلت است و درصد غالب ساخت‌ها از عناصر معنا دار تشکیل شده‌اند. دیگر آنکه حتی اجزاء بی‌معنا نیز در ایجاد ساخت دوگانی شرکت کرده‌اند و در موارد متعددی معنای ساخت حاصل ربطی به معنای اجزاء دوگانی ندارد و معنایی کاملاً جدید و متفاوت ایجاد شده است. در این میان، تعداد نام‌آواها یا اصوات یک سوم ساخت‌ها را تشکیل می‌دهند که حتی اصوات نیز نوعی معنا از خود ارائه می‌دهند و همه آنها فاقد معنا نیستند. نتایج حاصل از این پژوهش پیکره‌بنیاد

می تواند در آموزش زبان فارسی، تهیه پیکره های دوزبانه و نیز تسهیل فرایند ترجمه ماشینی کارآمد باشد و نخستین حاصل آن پیکره ای نسبتاً جامع از دوگانی های کامل در زبان فارسی است که در شبکه های واژگانی بسیار کارآمد است.

کلیدواژه ها: تکرار کامل؛ لغت نامه دهخدا؛ زبان شناسی پیکره ای؛ ساخت واژه؛ صورت و معنا

۱. مقدمه

تکرار، فرایندی است ساخت واژی که یکی از رایج ترین فرایندهای واژه سازی در بیشتر زبان های دنیا به شمار می رود. «هسپلمات» و «لیبر» تکرار را فرایندی ساخت واژی می دانند که در آن همه پایه یا بخشی از آن تکرار می شود (Haspelmath B, 274; Liber 2009, 80). برای مثال در زبان هائوسا:

bāya	«عقب»	bāyabāya	«کمی عقب تر»
ga'ba	«جلو»	ga'ba ga'ba	«کمی جلوتر»
(Newman 2000, 42)			

مثال های فوق نمونه هایی از تکرار کامل معرفی شده اند، فرایندی که یک پایه به طور کامل تکرار می شود و همان طور که می بینیم در زبان هائوسا تکرار کامل برای تولید معنای «کم شدن» و «کاهش» استفاده می شود.

طبق نظر «هسپلمات»، تکرار می تواند به دو صورت پیش تکرار^۱ یا پس تکرار^۲ تجلی یابد. اگر بخش تکرار شده به قبل از پایه اضافه شود، پیش تکرار و اگر پس از پایه اضافه شود، پس تکرار است (Haspelmath B). برای مثال، در فارسی «قشم شم» پیش تکرار و «جیغ جیغو» پس تکرار است. تکرار کامل در نظریات گوناگون زبان شناسی چون بهینگی (Prince & Smolensky 1991)، زایشی (Wilber 1973)، کمینگی (Kirchner 2010) و نیز از دید رده شناسان (Stolz 2006) مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه پژوهش حاضر به دنبال یافتن آن است، این است که (۱) فرایند تکرار کامل در زبان فارسی در خدمت تولید کدام مقولات صرفی و کدام معانی است؟ (۲) این فرایند واژه سازی تا چه حد از عناصر بامعنا و تا چه حد از عناصر بی معنا بهره می برد؟ و (۳) اگر از عناصر بی معنا بهره می برد، آیا منجر به تولید ساخت های معنادار می شود؟

1. pre-reduplication

2. post-reduplication

۲. روش تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر کلیه تکرارهای کامل در فرهنگ متوسط دهخدا به همراه معانی و ساخت‌های ارائه شده گردآوری شدند. تعداد کل این تکرارها ۲۹۹ مورد است که از این میان ۱۰۷ مورد اصوات هستند و بقیه ۱۹۲ مورد ساخت‌های قیدی، صفتی، قیدی/صفتی، اسمی و در برخی موارد ترکیبی از دو یا چند ساخت هستند. برای دقیق شدن داده‌ها نگارندگان با توجه به رایج بودن و با توجه به اشکالاتی که در تعیین مقولات در فرهنگ دو جلدی دهخدا وجود دارد (رجوع کنید به: محمودی بختیاری و تاج‌آبادی ۱۳۹۱، ۹۱) سه ساخت اصلی (اسم، صفت، قید) و یک ساخت مشترک قید/صفت را برای این موارد در نظر گرفتند. همه این ساخت‌ها به لحاظ معنایی مورد بررسی قرار گرفتند و به معانی کثرت، وحدت یا قلت، معنای نو، تأکیدی تقسیم شدند و نیز به لحاظ ساخت به گروه‌های قیدی، صفتی، اسمی، صفت مرکب/قید مرکب، و صوت تقسیم شدند. جزء دوگانی نیز در تمام ساخت‌ها به لحاظ معنادار بودن یا نبودن بررسی شد.

۳. تکرار کامل و تعاریف آن

تکرار کامل به معنای تکرار کل پایه است بدون آنکه هیچ تغییری در پایه ایجاد شود. طبق دیدگاه «موراوچیک» این نوع تکرار برای بیان معنایی چون جمع، افزایش کمیت، کاهش کمیت و مانند آن می‌آید (Moravcsik 1978). در واقع، یک صورت صرفی برای بیان معنایی متفاوت از ریشه و یا به گفته «استولز» اندکی متفاوت از ریشه تکرار می‌شود (Stolz 2006). «اینکلاس» در تبیین نظریه دوگانی صرفی^۱ (MDT) خود به این موضوع اشاره کرده است. این نوع تکرار به گفته «اینکلاس» در صرف اتفاق می‌افتد. یعنی مقوله‌ای به طور کامل تکرار می‌شود تا به مقوله‌ای از همان نوع یا نوع دیگر و معنایی متفاوت‌تر تبدیل شود. او در نظریه دوگانی صرفی خود تکرار را واجی و یا صرفی می‌داند و انگیزه‌های این دو نوع را از یکدیگر متفاوت می‌بیند. به اعتقاد او انگیزه تکرار واجی ایجاد هماهنگی واجی بیشتر در برون‌داد است و انگیزه تکرار صرفی ایجاد معنا با تغییر مقوله یا بدون آن است (Inkelas 2008, 351-3). به باور «ماس» تعریفی که «هسپلمات» از تکرار ارائه می‌دهد (2002B)، این پدیده را به صرف محدود می‌کند و تکرار صورت‌های زبانی در سطوح دستوری را نادیده می‌گیرد، حال آنکه می‌توان به دوگان‌سازی به‌عنوان ابزاری زبانی نگریست که می‌تواند در تمام سطوح ساختاری زبان استفاده شود (Maas 2005, 395). به این ترتیب، باید میان فرایند دوگان‌سازی و دیگر صورت‌های تکرار در زبان تمایز قائل شد. «برنارد

1. Morphological Doubling Theory

2. lexical reduplication

3. inflectional

4. Repetition of elements or structures in texts

5. Recurrence

هارک» و همکارانش در پروژه بررسی فرایند تکرار که در ۲۰۰۸ انجام دادند، تکرار را به انواع واژگانی^۲، نحوی، تصریفی^۳ و تکرار ساختارها یا عناصر در متن^۴ تقسیم می کنند (Hurch & others 2008). تکرار در متن تکریر^۵ نامیده شده است. تکرار در زبان‌های اشاره (Wilber 2005) و بازی‌های زبانی نیز به منظور سرگرمی و یا خصوصی کردن مکالمات اتفاق می افتد (Davis 1994; Bagemihl 1995, 698; Sherzer 1976, 31). «هسیلمات» تکرار را نه تنها فرایندی بسیار فراگیر، بلکه آن را موضوعی جالب به لحاظ نظری می داند. او تکرار را دارای ویژگی تصویرگونه می داند و همچون «موراوچیک» آن را برای بیان معانی تکرر، توزیع، تشدید و معانی مشابه می داند. در نوع ساده تکرار، کل پایه تکرار می شود (مثال بند ۱) و در حالت‌های دیگر تنها بخشی از پایه در یکی از طرفین پایه تکرار می شود؛ مانند مثال (۱) از زبان تاگالوگ:

(۱) bili (خریدن) → bibili (فعل ناقص)

و یا در زبان هائوسا که جزء پایانی تکرار می شود و معنای تداوم یا طول زمان به کمک پیشوندسازی یک قالب CVC به پایه با استفاده از عناصر هجای اول پایه اتفاق می افتد؛ مانند مثال (۲) از این زبان:

(۲) buga (زدن) → bubbuga (زدن به‌طور مستمر)

او در مطالعه خود بیان می کند که وند نه تنها توسط محدودیت‌های واجی زبان، بلکه توسط ویژگی‌های شکل یک هجای خاص در صرف کنترل می شود (Haspelmath 2002 A, 681). رده‌شناسانی چون «رایمی» تکرار کامل را بر خلاف تکرار ناقص یکی از جهانی‌های زبان بشری می دانند. مثال‌های زیر نشان می دهند که منظور از تکرار کامل از نظر «رایمی» چیست؟ به اعتقاد او تکرار کامل به معنای مجاورت دو واژه نحوی یکسان به لحاظ معنایی، صرفی و واجی با یکدیگر است به گونه‌ای که این مجاورت دارای نقش و معنا باشد و این نقش و معنا با آنچه که در صورت ساده وجود دارد، اندکی متفاوت باشد (Raimy 2000). برای مثال:

زبان	صورت ساده	صورت دوگانی
«مالتی» ^۱	bieb (در)	bieb bieb (از یک در به در دیگر)
«باسک» ^۲	handi (بزرگ)	handi handi (خیلی بزرگ) (Stolz 2008)

«استولز» نشان داده است که تکرار، پدیده‌ای جهانی است، گرچه به اعتقاد او (همانجا) «کرافت»^۳ (۲۰۰۱) جنبه عبارتی ساخت تکرار را در نظر می گیرد که همواره خاص زبان‌هاست و آن را در حیطه مطالعات رده‌شناختی - قیاسی نمی داند. به اعتقاد او تکرار کامل باید مورد توجه

1. Malti

2. Basque

3. Craft

افرادی قرار بگیرد که به مطالعات دستوری شدگی علاقمندند، چرا که در غالب زبان‌های دنیا این فرایند برای بیان مقولات دستوری (جمع، تشدید، تصغیر تکرار به کمک وندافزایی و صورت‌های غیرصرفی) به کار می‌رود (Stolz 2008). تکرار به لحاظ ساخت آوایی و صرفی بررسی شده است. «اینکلاس» نظریه‌ای دوگانه برای تکرار در نظر می‌گیرد و تمایز رده‌شناختی بنیادین در آن را به لحاظ صرفی و واجی بررسی می‌کند. دوگان‌سازی واجی به یک دلیل واجی صورت می‌گیرد؛ مانند ایجاد یک آغاز و یا یک هسته برای یک هجا که به‌وضوح به همگونی آوایی مرتبط است و دوگان‌سازی صرفی به یک دلیل صرفی اتفاق می‌افتد؛ همچون نشان‌دادن یک تغییر در معنا و یا ایجاد ستاک جدید که در نتیجه دوگان‌شدن یک ریشه، ستاک و یا وند اتفاق می‌افتد. در نظریه صرفی دوگان‌سازی «اینکلاس و زول» این فرایند از طریق وارد کردن جزء دوگانی صورت می‌گیرد. «اینکلاس و زول» در نظریه دوگان‌سازی صرفی خود (MDT) به کپی‌سازی مختصه‌ها و یا جزء دوگانی معتقدند. در دوگان‌سازی صرفی هویت واژه به لحاظ نحوی و صرفی بررسی می‌شود و در آن محدودیت اندازه (در مقایسه با دوگان‌سازی واجی) وجود ندارد (Inkelas 2008, 352).

«کیرچنر» تکرار را در قالب کمینگی بررسی کرده است و تکرار کمینه را معرفی می‌کند. به اعتقاد او تکرار صرفی بخشی از تکرار واجی است و تکرار واجی به‌صورت یک فرایند ترمیمی عمل می‌کند. این ساختارهای تکرار به لحاظ اندازه واجی کمینه‌اند و به‌صورت طبیعی با صرف در تعامل‌اند. او با مطالعه روی زبان‌هایی چون «تامیل، سامالا و کواکوالا»¹ این تعریف را ارائه می‌دهد: «تکرار فرایندی است حاصل از نظام زبانی و نه یک بی‌قاعدگی. تکرار کمینه علاوه بر آنکه به لحاظ نظری بسیار به‌صرفه و به لحاظ تجربی موفق است، بلکه می‌تواند به لحاظ رده‌شناختی نیز درباره نوع تکرارهایی که وجود ندارند، پیش‌بینی کند». این نظریه حوزه تکرار را کوچک می‌کند و آن را فرایندی واج‌شناختی یا نحوی می‌داند. در فرایند نحوی یک گروه نحوی - واجی تکرار می‌شود و در فرایند واجی یک سازه واجی تکرار می‌شود. او با استفاده از اصول نظریه بهینگی، داده‌های خود را بررسی می‌کند. تکرار واجی ساختاری است که در آن درون‌داد با برون‌داد ارتباط پیدا می‌کند، چه از طریق اصول بهینگی (Maccarthy & Prince 1995) و چه ابزارهای دیگر. در نظریه تناظر و در چارچوب بهینگی تکرار یک احتمال ذاتی است، اما می‌تواند مانند هر محدودیت دیگری با محدودیتی دیگر کنترل شود (Kirchner 2010, 1-10).

1. Tamil, Samala, Kwakwala

۴. پیشینه بررسی فرایند تکرار کامل در زبان فارسی

فرایند تکرار کامل را در متون فارسی می توان در مطالعات مربوط به ساخت های مکرر یا ساخت های اتباعی جستجو کرد. «انوری و گیوی» نیز به طبقه بندی اتباع پرداخته اند، اما اشاره ای به معنای آن، چه در مورد تکرار کامل و چه در مورد تکرار ناقص نکرده اند (۱۳۷۴، ۱۶۴). «فرشید ورد» تکرار را با عنوان اسم های مرکب تأکیدی و اتصالی بررسی کرده است (۱۳۸۲، ۶۸). به گفته او بعضی از اسم های مرکب را می توان هم از ترکیبات وابستگی گرفت و هم از ترکیبات همسانی و هم تقویتی؛ یعنی کلماتی که بر تأکید و توالی دلالت می کنند. او اسم مکرر را به دو دسته تقسیم کرده است. اسم مکرر به واسطه حروف اضافه یا عناصر توالی «سراسر، فردفرد، خش خش، وزوز» و از دو اسم غیر مکرر خواه با واسطه و خواه بی واسطه مانند «سر تا ته، پرس وجو». قسم دوم بیشتر برای ساختن قید و صفت به کار می رود؛ مانند «پله پله، رنگارنگ». ممکن است به جای اسم، فعل، قید یا صفت جمله ندایی «یا رب یا رب» و یا پرسشی مکرر «چه کنم چه کنم» داشته باشیم و یا دو فعل مانند «بزن بزن، برو برو». به گفته او فعل ها یا جمله هایی که اسم مرکب اتصالی می سازند، در حکم اسم هستند. او تکرار را یکی از راه های رسیدن به ساخت تأکیدی در نظر گرفته است. در واقع، این دستورنویسان، تکرار را به دلیل داشتن معنای تأکید در مقوله بدل گنجانده اند. «فرشید ورد» در انتقاد از «خیام پور» به این نکته اشاره کرده است: «چنانچه دیده می شود محقق یاد شده تکرار اسم را نوعی بدل گرفته است. معلوم نیست اگر فقط اسم های مکرر را بدل بگیریم، پس صفت ها، فعل ها و قیدها را چه باید بنامیم» (۱۳۷۵، ۲۴۸). «وفایی» مقوله های تکرار کامل را در متون کلاسیک فارسی بررسی نموده و آن را به سه دسته همسان یا متوالی، ناقص، و متباین تقسیم کرده است. به اعتقاد «وفایی» در حوزه زبان هدف از تکرار، ساخت واژه جدید است، اما در حوزه ادبیات این فرایند برای تأکید استفاده می شود (۱۳۸۷، ۱۶۶). در ادبیات معنای جدید خلق نمی شود و تکرار کامل تنها برای بیان تأکید است. او برای تکرار کامل بر مبنای پیکره ای از سه کتاب کلاسیک فارسی به معانی زیر دست می یابد:

«توالی، تعاطی، تدریج، تقابل، تنوع، تداخل، تحرك، شمول و فراگیری، ندرت، دو یا چند حالت از این حالات، کثرت و فراوانی، شمول و کثرت، ویژگی ذاتی و مستقل بودن، تردید و دو دلی، وضعیت، بیان صوت یا صدا». به لحاظ ساخت نیز «وفایی» تکرار را در ساخت فرایندهایی چون «قید، صفت، اسم، فعل، نهاد، مفعول، متمم، متمم مسندی مفعول، پایه فعل و جز آن» دخیل می داند. همان طور که مشاهده می کنیم معانی و مقولات ارائه شده برای تکرار کامل در ادبیات با پژوهش های دیگر بسیار متنوع تر است.

«غنی آبادی» به فرایند تکرار موزون در فارسی محاوره ای با عنوان تکرار موزون اشاره کرده و به معنای حاصل از آن پرداخته است (۲۰۰۵، ۱). او معانی کلیت (میوه پیوه)، چند وجهی بودن

اشیا یا وقایع (کتاب‌متاب)، تشدید در صفات (ظریف‌مریف یعنی بسیار ظریف)، تقریبی بودن زمان یا مکان در قیدهای زمانی و مکانی (نزدیک‌مزدیک یعنی یک جایی) را برای تکرار ناقص در محاوره در نظر می‌گیرد. «غنی‌آبادی»، «قمیشی»، «سادات‌تهرانی» بر اساس الگوی MDT «اینکلاس و زول» که فرایند تکرار را نوعی کپی‌سازی می‌دانند، تکرارهای زبان فارسی را بر اساس ساخت در این الگو مطرح کرده و به ۳ نوع طرح رسیده‌اند: ۱) تکرارهای انعکاسی^۱ (کتاب‌متاب) ۲) تکرارشدتی^۲ (سفید سفید، تکرارهایی که با حرف اضافه به هم وصل می‌شوند) ۳) تکرار بی تفاوت^۳ (رفتن که رفتن، این حالت با اضافه‌شدن که برای بیان بی تفاوتی به مفهومی که در گزاره بیان شده است، با تکرار فعل حاصل می‌شود) (۲۰۰۶). بر اساس این مدل ساخت‌های تکرار فارسی زایا در نظر گرفته می‌شوند. آنها نیز به ویژگی‌های معنایی تکرار کامل نپرداخته‌اند.

«راسخ مهند» به بررسی ویژگی‌های معنایی تکرار در زبان فارسی بر اساس دیدگاه «موراوچیک»، «رژیه»^۴ و «کاجیتانی»^۵ پرداخته است (۱۳۸۸، ۶۷-۶۸). او ساخت‌ها و معنای را بررسی کرده و البته بدون جداکردن تکرار ناقص از تکرار کامل، نمودار و سلسله‌مراتب معنایی را برای هر دوی آنها ارائه داده است. از دید او تکرار در طبقه حروف اضافه و سایر طبقات دستوری وجود ندارد. تکرار در مقولاتی چون اسم، فعل، صفت، و قید دیده می‌شود. طبق داده‌های مورد تحلیل وی تکرار اسم بیشترین مقدار و قید کمترین را به خود اختصاص داده‌اند. در داده‌های «راسخ مهند» از تعداد ۱۵۹ مورد تکرار ۹۳ مورد اسم هستند که از این میان ۵۲ مورد تکرار کامل می‌باشند. طبق بررسی او در نیمی از ساخت‌های تکرار، تغییر مقوله صورت می‌گیرد. لازم به ذکر است که پیکره این پژوهش معرفی نشده است.

در این بررسی کلی بر اساس دیدگاه «موراوچیک» معنای تکرار در چهار طبقه افزایش کمیت، کاهش کمیت، افزایش شدت و کاهش شدت بررسی شده است. این معنای تغییری است که تکرار در معنای واژه پایه ایجاد می‌کند. به اعتقاد «راسخ مهند» معنای حاصل از تکرار کامل فارسی را در این چهار طبقه می‌توان مشاهده کرد. او این ویژگی‌های معنایی را در فعل، قید، صفت و اسم ملاحظه کرده است. او نتیجه‌گیری می‌کند که داده‌های فارسی با سلسله‌مراتب معنایی ارائه‌شده از سوی «کاجیتانی» که برای تکرار در بیش از هشتاد درصد زبان‌های دنیا ارائه شده، تطبیق دارد: یعنی افزایش کمیت ← افزایش شدت ← کاهش شدت ← کاهش کمیت. «شقایق» فرایند ساخت‌واژی را که در آن یک تک‌واژه به همان صورت تکرار می‌شود، فرایند دوگان‌سازی کامل می‌داند؛ مانند «اندک‌اندک»، رفته‌رفته» (۱۳۸۹). او فرایند دوگان‌سازی را فرایندی صرفی اشتقاقی می‌داند که در آن بعضی واژه‌ها با وندافزایی و بعضی دیگر با ترکیب واژه‌ها یا آمیزه‌ای از

1. Echo Reduplication
4. Roghiyeh

2. Intensive Reduplication
5. Kajitani

3. Indifference Reduplication

این دو روش ساخته می‌شوند. بسیاری از واژه‌های زبان فارسی با فرایند تکرار ساخته می‌شوند و کلمه مکرر مفاهیمی چون شدت، تأکید، افزایش، تداوم، انبوهی، بی‌شماری و جنس و یا قسم را می‌رساند. فرایند تکرار ممکن است واژه جدیدی با معنای متفاوت از معنای پایه بسازد. چنانچه واژه‌ای با تکرار کامل پایه ساخته شود، آن را می‌توان مرکب مکرر نیز نامید. او تکرار را به دو نوع کامل و ناقص تقسیم می‌کند و فرایند تکرار کامل را دارای انواع افزوده و نافزوده می‌داند. تکرار کامل افزوده مانند: «خال خال، تکه تکه (اسم)، پرسیان پرسیان، آرام آرام (صفت)، وزوز، تق تق (نام آوا)، آخ آخ، واه واه (صوت)، پاورچین پاورچین (گروه) و چه کنم چه کنم (جمله)» و تکرار کامل افزوده به دو صورت افزوده میانی و پایانی مانند: «گام به گام، تو در تو، گرداگرد (تکرار کامل افزوده میانی)، جیر جیرک، هول هولکی، لقلقو (تکرار کامل افزوده پایانی)». این انواع مکرر مشتق نیز نام دارند. «شقایق» تکرار را در بعضی زبان‌ها در خدمت تصریف و در بعضی دیگر در خدمت اشتقاق می‌داند. او جزء تکرار شونده را دوگانی می‌نامد و می‌گوید که گرایش عام به تکرار صداهاست و به اتباع اشاره می‌کند که باعث تعمیم معنای واژه می‌شود (۱۳۶۷).

«خانجان و علی نژاد»^۱ تکرار کامل را در زبان فارسی طبق نظریه دوگان‌سازی صرفی «اینکلاس و زول» بررسی کرده‌اند. آنها در پژوهش خود چنین نتیجه می‌گیرند که ماهیت تکرارها در زبان فارسی کاملاً صرفی است و حالت کپی شدن واجی ندارد و اینکه ساختار تکرار در زبان فارسی کاملاً در چارچوب نظریه دوگانی صرفی (MDT) می‌گنجد (۲۰۱۰). الگوی تکرار در زبان فارسی تنها به واژه‌ها ختم نمی‌شود، بلکه حوزه وسیعی از عبارات زبانی از یک واژه گرفته تا کل یک ساختار نحوی را در بر می‌گیرد و معنای متفاوتی ارائه می‌دهد. این معنا ممکن است کاملاً تصویرگونه باشد و یا کاملاً استعاری و اصطلاحی. گاهی اوقات هم این معنا تحت تأثیر پارامترهای بافتی است و اینکه این الگوها گاهی اوقات کاملاً سبکی هستند و به محدودیت‌های سبکی بستگی دارند.

در این پژوهش معلوم شد که تکرار کامل فارسی به لحاظ معنایی دارای معانی تکرار، تداوم، توالی، تشدید و تغییر حالت یک عمل است. این تکرارها ممکن است دارای کاربردهای سبکی خاصی باشند. نکته دیگر آنکه معنای درون‌داد همواره در معنای برون‌داد مشخص نمی‌شود. از معنای کاملاً شفاف و تصویرگونه گرفته تا معنای تیره و استعاری و از آنجا که هر دو نوع معنی در زبان فارسی واژگانی می‌شوند، گویندگان بومی آنها را به صورت مناسب و دقیق پردازش می‌کنند. حال آنکه این موارد در آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم و یا ترجمه مسئله‌ساز می‌شوند.

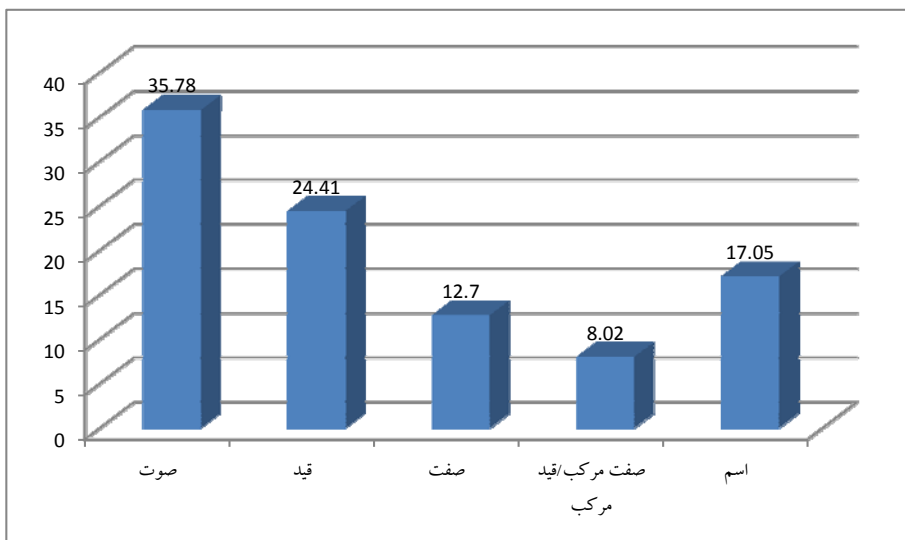
1. Khanjan and Alinezhad

دیگر آنکه معانی استعاری در اغلب زبان‌ها در برون‌داد استعاری می‌شوند. برای مثال، «راه‌راه» در جمله «اندیشه‌های راه‌راهم را نمی‌خوانی» که معنایی کاملاً استعاری دارد. در پایان «خانجان و علی‌نژاد» الگوی MDT را به‌لحاظ معنایی برای زبان فارسی مناسب نمی‌دانند، چرا که طبق این الگو در برون‌داد یا معنایی اضافه می‌شود و یا تغییری اتفاق نمی‌افتد. حال آنکه در زبان فارسی ما شاهد معانی استعاری و کاملاً متفاوت از پایه هستیم. و سرانجام آنکه «شقایق و حیدرپور» با رویکرد بهینگی، فرایند تکرار را بررسی کرده‌اند (۱۳۹۰، ۴۵-۶۶). نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که با مرتبه‌بندی محدودیت‌های جهانی مطرح در بهینگی می‌توان ساخت انواع فرایند تکرار در زبان فارسی را با توجه به الگوی خاص آنها و معنایی که از آنها برداشت می‌شود، تبیین کرد.

۵. داده‌ها و تحلیل

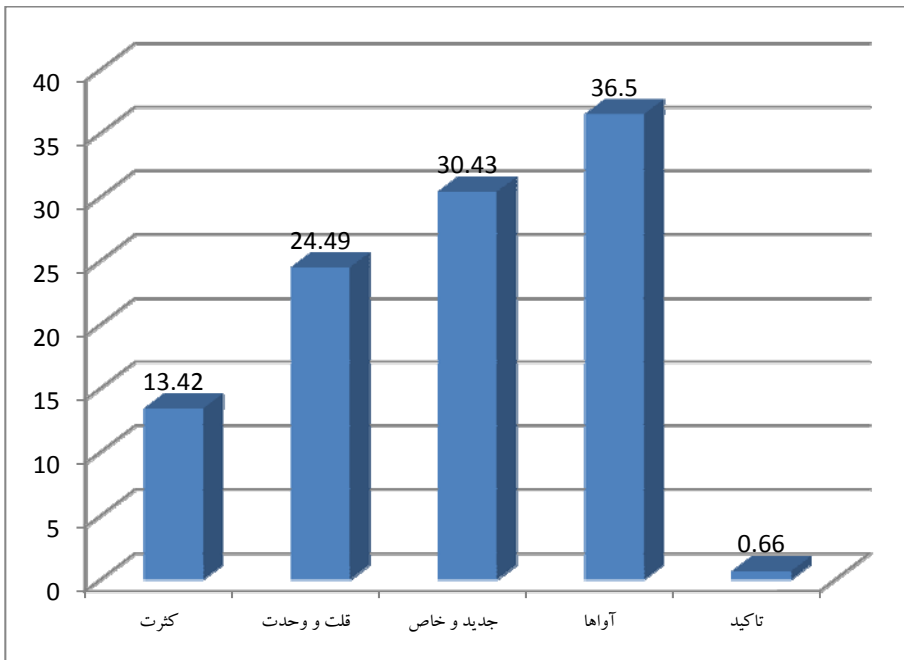
داده‌های این پژوهش موارد تکرار کامل در لغتنامه متوسط دهخداست. ۲۹۹ مورد تکرار کامل در این لغتنامه فهرست شده است که همگی به‌لحاظ ساخت واژه و معنا بررسی شدند. نمودار (۱) فراوانی و نوع ساختارهای حاصل از فرایند دوگان‌سازی کامل را نشان می‌دهد. طبق این داده‌ها بیشترین ساخت حاصل از فرایند تکرار کامل، بدون در نظر گرفتن اصوات که نمی‌توان آنها را دارای ساخت دستوری دانست و تعداد آنها ۱۰۷ مورد است، قید هستند. لازم به ذکر است که آنچه را که «راسخ مهند» در بررسی خود حذف کرده بود، یعنی صوت‌ها و نام‌آواها نیز در این فهرست تحت عنوان صوت گنجانده شده‌اند. طبق گفته «انوری و گیوی» اسم صوت یا نام‌آوا لفظی است مرکب که معمولاً از طبیعت گرفته شده و خود، بیانگر صداهایی از قبیل صوت خاص انسان یا حیوان، صوت خواندن یا راندن حیوانات و صوت برهم خوردن چیزی است؛ مانند: «هن‌وهن، من‌ومن، کیش‌کیش، قاه‌قاه، قارقار و جز آن» (۱۳۷۴، ۱۰۴). این آواها گاهی عیناً تکرار می‌شوند و گاهی با تغییراتی و نیز بین دو لفظ، گاهی واو عطف می‌آورند و گاهی نمی‌آورند. اسم صوت، اسم است و غیر از صوت است که آنرا شبه جمله نیز می‌گویند و از اقسام هفتگانه کلمه است. از میان حدود ۱۹۱ تکرار باقی مانده، ساخت قیدی بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است و برای آن ۷۳ مورد ضبط شده است. پس از آن ساخت /سم (در برگرفته اسم‌های مرکب و اسم مصدر) با ۵۱ مورد، ساخت صفتی ۳۸ مورد و ساخت ترکیبی صفت مرکب/قید مرکب نیز ۲۴ مورد دیده می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که فرایند تکرار در زبان فارسی در خدمت ساخت مقولات /سم، قید، صفت و صفت مرکب/قید مرکب است و به طور غالب در خدمت ساخت قیود می‌باشد. حتی در تکرارهایی چون «داغ داغ» که به صورت صفت ضبط شده‌اند، شاهد کاربرد

قیدی آن به صورت مفعول ثانویه در برخی جملات هستیم. برای مثال، در جمله «غذا را داغ داغ نخور» تکرار به کاررفته در نقش مفعول ثانویه است که قید برای اسم به شمار می‌رود.



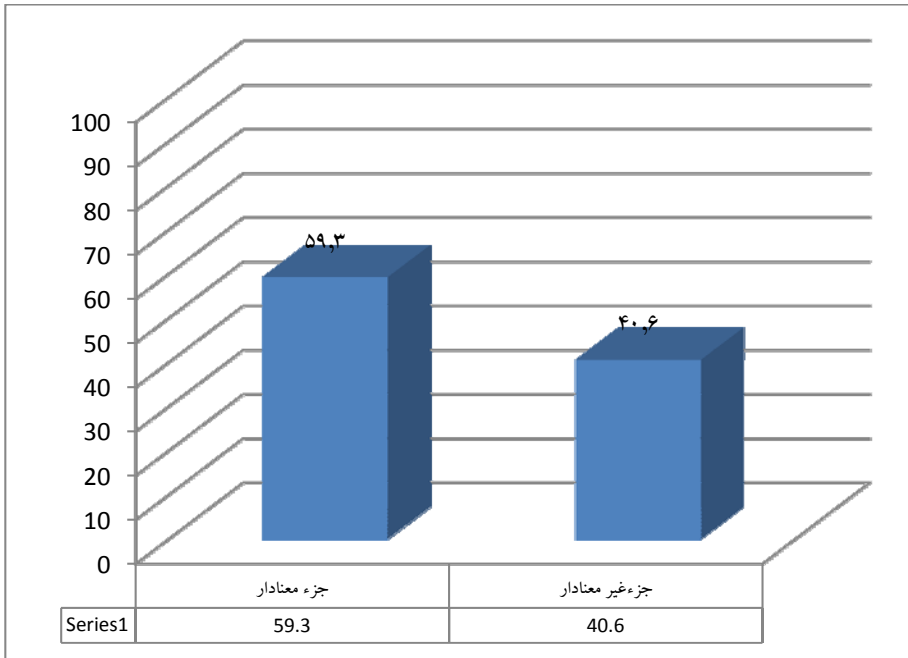
نمودار ۱. فراوانی مقولات

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در تکرار کامل به غیر از اصوات، ساخت غالب مربوط به قید است. (مقایسه کنید با یافته‌های «راسخ مهند» (۱۳۸۸) که تکرار کامل و ناقص را با هم بررسی کرده و تعداد قیدها را کمترین مقدار دانسته است). نمودار (۲) فراوانی معنای حاصل از تکرار کامل را نشان می‌دهد. این معانی به صورت معنای نو، معنای قلت یا وحدت، معنای کثرت، تأکید و اسامی صوت طبقه‌بندی شده‌اند. طبق این نمودار ۹۳ مورد معنای جدید و متفاوت از پایه ضبط شده است؛ مانند «تاوا تاوا (قدرت و توانایی)»، «تالان تالان (غار)»، «چام چام (دره یا کوه پرپیچ و خم)». در میان معانی مربوط به کثرت یا قلت نیز معنای قلت بیشتر هستند؛ ضمن آنکه در این گروه معنای وحدت نیز مشاهده می‌شود. این معنا بسته به محل قرار گرفتن تکیه ممکن است حاصل شود؛ بدان معنا که در دوگانه‌هایی که تکیه روی هر دو جزء است، معنای وحدت خواهیم داشت؛ مانند: «دانه‌دانه» /dā'ne dā'ne/ (هر یک دانه)، «پله پله» /pelle'pelle'/ (هر یک پله) و در غیر این صورت معنای تکثر خواهیم داشت؛ مانند: «خال خال» /xālxā'/. این معنا نیز در این پیکره ۹۳ مورد را به خود اختصاص داده است.



نمودار ۲. فراوانی معانی

نمودار (۳) ویژگی معنادار بودن یا نبودن جزء دوگانی را نشان می‌دهد. مطابق داده‌های این بخش روشن می‌شود که در فرایند ساخت تکرار در زبان فارسی از عناصر معنادار در حدود دو برابر عناصر بی‌معنا استفاده شده است. تعداد ترکیب‌هایی که جزء پایه در آنها معنادار است، ۱۷۷ مورد می‌باشد و عناصر بی‌معنا هم همان اصوات هستند که ۱۲۱ مورد است و برای برخی از آنها نیز می‌توان معنایی قائل شد. بدین ترتیب، آشکار می‌شود که ساخت دوگانی در زبان فارسی غالباً از کنار هم قرار گرفتن عناصر معنادار حاصل می‌شود.



نمودار ۳. ویژگی معنایی جزء دوگانی

۵. نتیجه گیری

همان‌طور که دیدیم، در این پژوهش فرایند تکرار کامل در زبان فارسی به صورت پیکره بنیاد مورد بررسی قرار گرفت. این فرایند پیش تر از سوی «خانجان و علی نژاد» (۲۰۱۰) در چارچوب نظریه دوگانی «اینکلاس» و «وفایی» (۱۳۸۷) در متون ادبی فارسی بررسی شده است. پژوهش «خانجان و علی نژاد» نشان داد که الگوی MDT برای این فرایند در زبان فارسی و به لحاظ معنایی کفایت نمی کند و آن را برای زبان فارسی اصلاح کردند. «وفایی» نیز نشان داد که این ساخت در متون ادبی بیش از همه برای بیان تأکید است. «راسخ مهند» (۱۳۸۸)، «شقایق» (۱۳۸۹) و «شقایق و حیدرپور» (۱۳۹۰) این فرایند را هم در نوع کامل و هم ناقص بررسی کرده اند و تکرار کامل را به صورت جداگانه بررسی نکرده و همچنین، پیکره خاصی را برای پژوهش خود معرفی ننموده اند. آنچه که از نمودارها و داده های پژوهش حاضر برمی آید، آن است که این فرایند در زبان فارسی زیادت و به لحاظ ساخت بیشتر در خدمت تولید مقوله قید است که این موضوع بر خلاف نتیجه گیری «راسخ مهند» می باشد که ساخت قیدی را در اقلیت می داند. در مورد معانی نیز به غیر از اصوات که در اغلب موارد فاقد معنا هستند، معنای غالب در تکرارها معنای جدید و خاص است (۳۰ درصد موارد). برای مثال، «تنگ تنگ» به معنای «عدل عدل» یا «بار بار» و «تار تار» به معنای

پاره‌پاره و نیز تکرارهایی که معنای وحدت را می‌دهند، برای مثال «قطره قطره» یعنی «هر یک قطره» و یا «و جب و جب» یعنی «هر یک و جب» و یا «پله پله» به معنای «هر یک پله». همان‌طور که در بخش ۳ اشاره کردیم، «استولز» معنای حاصل از تکرار را اندکی متفاوت از آن می‌داند و نیز «اینکلاس» در الگویی که برای تکرار کامل در نظریه دوگانی صرفی ارائه می‌دهد، معنای حاصل از این فرایند را با اندکی مشخصه‌های معنایی بیشتر و یا کمی فراتر از آن می‌داند. اما حضور تکرارهایی که در گروه معنایی خاص و جدید جای گرفته‌اند و فراوانی غالب آنها در این پیکره حاکی از آن است که تعریف «استولز» و نیز الگوی «اینکلاس» برای ارائه معنای حاصل از تکرار کامل در زبان فارسی کفایت نمی‌کند و باید معنای خاص و جدید هم به آنها اضافه شود. همچنین، این داده‌ها نشان دادند که در زبان فارسی هم جزء معنادار و هم جزء بی‌معنا در ساخت تکرار وارد می‌شوند و هر دو می‌توانند برون‌داد معنایی داشته باشند؛ مانند نمونه‌های زیر:

صدای سرخ شدن گوشت و مانند آن در روغن / احساس سوزش شدید	صوت (جزء بی‌معنا)	جزء جز
باران شدید/ حکایت از ریختن صدای آب از بلندی	اسم صوت/ قید (جزء بی‌معنا)	شُرْشُر
ریزه‌ریزه/ پاره‌پاره/ ذره‌ذره	صفت مرکب (جزء معنادار)	تارتار
بهره‌مندی/ نیک‌بختی و کامیابی/ گردش و چرخش	اسم (جزء معنادار)	دوردور

یعنی اجزاء بی‌معنا نیز می‌توانند در کنار هم قرار گرفته و معنایی را منتقل کنند. حتی در مورد اصوات نیز که گفتیم معنای خاصی را منتقل نمی‌کنند، می‌توانیم از نوعی حس و یا درکی که به‌هنگام شنیدن آنها به انسان منتقل می‌شود، سخن بگوییم. طبق داده‌های مربوط به این بخش، اجزاء بی‌معنا در ساخت اصوات وارد شده‌اند و اجزاء معنادار در ساخت‌های دیگر. از سوی دیگر شایسته است که به معانی ارائه‌شده از سوی «شقایق» (۱۳۸۹) معنای وحدت را نیز در کنار قلت بیفزاییم، چرا که در برخی از مواردی که در گروه معنایی قلت مشاهده می‌شوند، معنای وحدت درک می‌شود و به نظر نگارنده این دو معنا را باید در یک گروه قرار داد؛ بدان معنا که کاهش کمیت می‌تواند از نوع قلت باشد یا وحدت. بنابراین، داده‌ها و مطالب ارائه‌شده در بخش مطالعات پیشین آشکار می‌شود که تکرارهای کامل به‌لحاظ معنایی و ساختاری اندکی با انواع دیگر تکرار متفاوت هستند و از این رو، می‌توان آن را به‌عنوان یکی از پدیده‌های زایای ساخت‌وازی زبان فارسی جدا از دیگر انواع تکرار بررسی کرد. از سوی دیگر، این فرایند مطابق با مثال‌های ارائه‌شده از سوی «هسپلمات» که فرایند تکرار کامل را دارای نقش تصریفی چون نشان‌دادن جمع (Haspelmath 2002, B) و یا طبق مثال‌های «لیبر» که این فرایند را برای تغییر مقوله دستوری در برخی زبان‌ها معرفی می‌کنند (Liber 2009)، باید گفت که در زبان فارسی نقش تصریفی برای تکرار کامل نمی‌توان در نظر گرفت. از سوی دیگر، برای رسیدن به مقوله‌ای متفاوت نیز این کار

انجام نمی‌شود. این فرایند در زبان فارسی شبیه به یک بازی زبانی است که برای بیان معانی گوناگون استفاده می‌شود و منجر به ایجاد مقولات مختلف می‌گردد.

فهرست منابع

- انوری، حسن، و حسن احمدی گیوی. ۱۳۷۴. *دستور زبان فارسی ۲*. ویرایش دوم. تهران: فاطمی.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۸۵. *فرهنگ متوسط دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- خیام‌پور، عبدالرسول. ۱۳۵۲. *دستور زبان فارسی*. تبریز: دانشگاه تبریز.
- ذاکری، غلامحسین. ۱۳۸۱. *اتباع و مهملات در زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- راسخ مهند، محمد. ۱۳۸۸. بررسی معنایی تکرار در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی* (۱) ۲۳: ۶۵-۷۴.
- شقایق، ویدا. ۱۳۶۷. فرایند دوگان‌سازی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- _____. ۱۳۷۹. فرایند تکرار در زبان فارسی: مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی. ج ۱. به کوشش سیدعلی میرعمادی، ۵۱۹-۵۳۴. تهران: علامه طباطبایی.
- _____. ۱۳۸۹. مبانی صرف. تهران: سمت.
- _____. و تهمینه حیدرپور. ۱۳۹۰. رویکرد نظریه بهینگی به فرایند تکرار با نگاهی بر واژه‌های مکرر فارسی. *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی* (۱) ۳: ۶۶-۴۵.
- فرشید ورد، خسرو. ۱۳۸۲. دستور مفصلا امروز. تهران: سخن.
- _____. خسرو. ۱۳۷۵. جمله و تحول آن در زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- محمودی بختیاری، بهروز، و فرزانه تاج‌آبادی. ۱۳۹۱. مقوله اتباع در لغت‌نامه دهخدا (یک بررسی مجدد). *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی* (۳) ۳: ۱۷۵-۱۹۴.
- وفایی، عباسعلی، و عبدالله آلبوغییش. ۱۳۹۰. بررسی روش تکرار در ساخت واژه در زبان فارسی. *پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی* (۱) ۵: ۱-۱۶.
- Bagemihl, Bruce. 1995. *Language Games and Related Areas*. In John Goldsmith (ed.) *the Handbook of Phonological Theory*. Cambridge: Blackwell: 697-712.
- Bergman, Brita, and Östen Dahl. 1994. *Idiophones in Sign Languages? The Place of Reduplication in the Tense-Aspect System of Swedish Sign Language*. In Carl Bache, Hans Basboll and Carl-Erik Lindberg (eds.) *Tense, Aspect and Action: Empirical and Theoretical Contributions to Language Typology*. Berlin: Mouton de Gruyter: 397-422.
- Davis, S. 1994. *Language Games*. In R. E. Asher (ed.) *The Encyclopedia of Language and Linguistics, Vol. 4*. Oxford: Pergamon: 1980-1985.
- Haspelmath, Martin. A. 2001. *Language typology and language universals: an international handbook* (Vol. 20). Berlin: Walter de Gruyter.
- _____.B. 2002. *Understanding Morphology*. New York: Oxford University Press.
- Hurch Bernhard, Motomi Kajitani, Veronika Mattes, Ursula Stangel, and Ralf Vollmann. 2008. Other Reduplication Phenomena. *Graz Reduplication Project, reduplication.uni-graz.at*
- Inkelas, Sharon. 2008. *The Dual Theory of Reduplication*. *Linguistics* 46 (2): 351-401.

- Ghaniabadi, S., Ghomeshi, J., & Sadat-Tehrani, N. (2006). Reduplication in Persian: A morphological doubling approach. In *Proceedings of the 2006 Annual Conference of Canadian Linguistic Association* (pp. 1-15).
- Ghaniabadi, Saeed. 2005. Echo reduplication in colloquial Persian: an OT Analysis. *Linguistic Analysis* 24:175-217.
- Khanjan, Alireza, and Batool Alinezhad. 2010. A Morphological Doubling Approach to Full Reduplication in Persian. *SKY Journal of Linguistics* 23: 169-198.
- Kirchner Jesse, Saba. 2010. Minimal Reduplication. PhD Dissertation in Linguistics, University of California.
- Lieber, R. (2009). *Introducing morphology*. Cambridge University Press.
- Maas, Utz. 2005. Syntactic Reduplication in Arabic. In Hurch, B. (Ed.). *Studies on reduplication* (No. 28). Walter de Gruyter. 2005: 395-429.
- MORAYCSIK, E. A. (1978). Reduplicative constructions. *Universals of human language: Word structure*, 3, 297.
- Stolz, T. (2008). Grammatica ex nihilo? Total reduplication and grammaticalisation. In *conference New Reflections on Grammaticalization* (Vol. 4). Raimy Eric, Stephan. 1999. Representing Reduplication. PhD Dissertation in Linguistics, University of Delaware.
- Wilbur, Ronnie B. 2005. A Reanalysis of Reduplication in American Sign Language. In Hurch, B. (Ed.). (2005). *Studies on reduplication* (No. 28). Walter de Gruyter, 595-623.

بهروز محمودی بختیاری

متولد سال ۱۳۵۲، دارای مدرک دکتری زبان‌شناسی است. وی هم‌اکنون دانشیار پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. تحلیل گفتمان دراماتیک، ساخت‌واژه و رده‌شناسی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی از جمله علایق پژوهشی ایشان هستند.



زهرة ذوالفقار کندی

متولد سال ۱۳۵۳، دارای مدرک کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی از دانشگاه علامه طباطبایی است. وی هم‌اکنون دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه پیام نور با گرایش زبان‌شناسی رایانه‌ای است. زبان‌شناسی پیکره‌ای، رایانه‌ای و چالش‌های آموزش زبان فارسی از جمله علایق پژوهشی ایشان هستند.

